

کندوکاوی در : مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی

مقاله 7، دوره 12، شماره 67، بهار 1374، صفحه 169-178

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اصل مقاله

معرفی کتاب

مسأله حضور علما و روحانیان در حکومت صفوی از مسائل بحث انگیز و جنجال ساز دوره اخیر بوده است. از یک سو برخی از نویسندگان معاصر با دیدی انتقادی به این حرکت نگرسته اند و آن را از زاویه های مختلف به نقد سپرده اند؛ از سوی دیگر گروهی از دانشوران و نویسندگان آن را یک ضرورت تاریخی تلقی کرده اند و از آثار مبارک و دستاوردهای آن سخن گفته اند. در این مجال فرصت تحلیل و تحقیق دیدگاههای یادشده نیست اما در تألیف محققانه آقای جعفر المهاجر این بحث در حوزه ای محدودتر اما پر ثمر پی گیری شده است.

نوشته (الهجرة العامليّة الى ايران في العصر الصفوي) کندوکاوی است در مورد پیش زمینه های مهاجرت علمای جبل عامل به ایران صفوی و آثار و دستاوردهای آن. آشنایان به تاریخ فقیهان شیعه و نیز تاریخ ایران عهد صفوی نیک می دانند که گروهی از علمای برجسته جبل عامل در عصر صفوی به ایران مهاجرت داشته اند.

در این مجموعه شخصیت‌های بزرگی دیده می شوند. از جمله مرحوم محقق کرکی که در عهد شاه طهماسب نفوذ فوق العاده ای یافت و دیگری شیخ بهائی که در عصر شاه عباس اول دارای قوّت و نفوذ ویژه بود. صدالبته مهاجران دانشور جبل عامل به ایران عهد صفوی محدود به این دو نبودند. در این جمع بزرگوارانی را می توان یافت چونان: علی بن هلال کرکی حسنین بن عبدالصمد جبّاعی (پدر شیخ بهائی) شیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی و دهها شخصیت علمی دیگر.

روند مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عهد صفوی از چند زاویه تأمل برانگیز است:

1. پیش زمینه های مهاجرت ایشان چه بود؟ آیا عوامل داخلی بود یا اسباب خارجی؟
2. جامعه علمای شیعی داخل کشور در عهد صفوی چه برخوردی با علمای مهاجر داشتند؟
3. آیا علمای مهاجر از جبل عامل از یک طیف فکری بودند یا دیدگاههای متفاوت داشتند؟

4. علمای مهاجر یاد شده در روند فکری حوزه های علمی شیعی داخل ایران چه تأثیری آفریدند؟

5. جامعه شیعی ایرانی از الگوهای فکری - رفتاری علمای مهاجر چه تأثیراتی را پذیرفتند؟

6. علمای مهاجر از جبل عامل در سیاست مذهب و اقتصاد عصر صفوی چه دگرگونیهایی ایجاد کردند؟

پرسشهای فوق گوشه ای از زوایای تحقیق و پژوهش در این مقوله ارجمند است. آقای جعفر مهاجر در دو فصل آغازین کتاب دو مبحث مقدماتی را طرح کرده است وی ابتدا اشاره ای دارد به دولتهای عثمانی و صفوی و تعارضات آنها و

سپس فضای سیاسی - فرهنگی جبل عامل بویژه تأکیدی بر ارزیابی نقش شهید اول در ساخت و ساز فضای نو فرهنگی جامعه شیعی جبل عامل.

شهید اول در تاریخ تفکر سیاسی عالمان شیعی نقشی برجسته و چشمگیر دارد. شهید صدر در دوره های مرجعیت که بر می شمرد به این نکته تصریح دارد که شهید اول در تمرکز گرایی مرجعیت سهم مهمی داشته است:

(آنچه از حرکت و مسیر رویدادها می دانم حوزه به صورت سازمان یافته توسط شهید اول وارد این دوران شد. در حقیقت شهید اول با نثار خون خود این نهاد را از دوره گذشته وارد این دوره کرد. در زمان ایشان بود که این نهاد به صورت دستگاهی منظم از نمایندگان مراجع و علمای شهرستانها ترتیب یافت که رابط بین مرجع تقلید و پایگاههای مردمی بود.

من از نظر تاریخی قبل از شهید اول برای این مرجعیت سازمان یافته نمونه ای سراغ ندارم. ایشان بودند که این برنامه را در سوریه و لبنان پیاده کردند و نمایندگانی برای خود تعیین نمودند که توسط آنان خمس و زکات برای اداره امور مسلمانان از شیعیان گردآوری می شد. بدین وسیله برای اولین بار در تاریخ روحانیت یک نهاد نیرومند دینی و سیاسی برای شیعیان پایه گذاری شد و همین پایه گذاری مهم ترین سبب به شهادت رسیدن آن بزرگوار بود).

مجله (حوزه) شماره 122/4.

در بخشهایی از تألیف آقای مهاجر جایگاه شهید اول در طرح و بسط تئوری (ولایت فقیه) مورد اشاره و ارزیابی قرار گرفته است.

نویسنده کتاب به نوشته فقهی شهید (اللمعة الدمشقية) که به درخواست سرمداران خراسان تنظیم شد و ارسال گشت استشهاد می کند که روح اندیشه (ولایت فقیه) در آن ظاهر و متبلور است. از جمله این که (شهید) اظهار می کند که خمس را بایستی به (نائب الامام) یعنی فقیه جامع الشرایط داد. نویسنده ادعا دارد

که تعبیر: (نائب الامام) برای فقیه توسط شهید در فرهنگ واژگانی فقه شیعه داخل شد و رواج یافت.

66/

در مجموع دو فصل مقدماتی کتاب خواننده را با فضای تاریخی کلّ دوره و نیز فضای فرهنگی - سیاسی جامعه شیعی جبل عامل آشنا می کند و پیش در آمدی مناسب را در ذهن مخاطب می آفریند. در مراحل نخستین تحقیق براساس کتاب معروف: (امل الامل فی علماء جبل عامل) اثر شیخ حر عاملی تحقیق آماری را اظهار می کند که از 230 نفر که نام (عاملی) برای ایشان آمده است هفده نفر واقعاً از منطقه (جبل عامل) نبوده اند و تنها وجود برخی از مناسبتها و ارتباطات دور موجب شده است که شیخ حر عاملی نام آنان را در کتاب بیاورد و 32 نفر از افراد قبل از قرن دهم هجری می زیسته اند؛ از این روی در بحث آماری تحقیقی علمای مهاجر عصر صفوی نمی گنجند. همچنین در مورد 21 نفر راجع به زندگانی و شرح احوال ایشان در منابع و مصادر اطلاعی پیدا نشد. در نتیجه 143 نفر [البته 160 نفر] باقی می ماند که از اوایل قرن 10 تا سال 1097 (سال تألیف الامل) می زیسته اند.

آمار تحقیقی - تحلیلی نویسنده کتاب در خور مطالعه است. از مجموعه یاد شده 45 نفر در جبل عامل زیسته اند و هجرت نکرده اند. 7 نفر هجرت کرده اند و به جبل عامل بازگشته اند 31 نفر به نقاط مختلف: (حجاز یمن عراق ایران و...) هجرت کرده اند؛ اما در آن نقاط ساکن نشده اند و 60 نفر به ایران مهاجرت کرده اند و در ایران سکنی گزیده اند.

رقم علمای مهاجر و ساکن در ایران که تقریباً نیمی از علمای جبل عامل را در قرن یازدهم در بر می گیرد مسلماً آماری واقعی و یا حتی شبه واقعی هم نیست؛ زیرا مسلماً نام عده ای از علمای جبل عامل در کتاب (امل الامل) نیامده است. همچنین ایشان به یاد کرد افراد برجسته و شهر اکتفا کرده است و معمولاً نام افراد فاضل و یا متوسط را نیاورده است.

نویسنده کتاب آمار یاد شده را به تحلیل و تتبع می سپرد و از زاویه های گوناگون مورد ارزیابی قرار می دهد.

97/

با این نگاه کلی نویسنده دید خویش را متوجّه نقش علمای مهاجر جبل عامل در حوادث سیاسی - فرهنگی عصر صفوی می کند. در فصل چهارم کتاب با عنوان: (المهاجرون فی ایران) ابتدا از شخصیت و آثار وجودی محقق کرکی بحث می شود. و سپس علمای دیگر بعد از او بویژه شیخ بهائی آن گاه در چهار محور دیگر مطالب کتاب را تنظیم و عرضه می دارد:

1. نهضت ترجمه و تألیف. 3. معارضات با اخباریان.

2. نفوذ فقها. 4. مجادلات و ناهمسازی با صوفیان.

نکات خواندنی در این فصل بسیارند از جمله:

1. نقش محقق کرکی در تعدیل سیاستهای شاه اسماعیل بویژه در مورد قتل عام سنیان.

122/

2. تحلیل مهاجرت محقق کرکی از ایران به عراق در عهد شاه اسماعیل.

نویسنده در این تحلیل اظهار می کند که محقق کرکی شش سال در عراق زیست (پس از ترک ایران) و ظاهراً هجرت ایشان از ایران به عراق به واسطه ناهمسازی با سیاست شاه اسماعیل بود.

124/

3. در سلطنت شاه طهماسب او موکداً از محقق کرکی مراجعت به ایران را می طلبد. محقق کرکی به ایران می آید و شاه طهماسب فرمان معروفی را صادر می کند. نویسنده کتاب اظهار می کند:

(این زمان با واژگان فقهی و تأکید تام صادر شده است. گمان ما آن است که

محقق کرکی خود آن را نگاشته است و در نتیجه گمان دیگری را می پروراند که او نشر این مکتوب را [از سوی شاه] شرط مراجعت خویش [از عراق] قرار داده بود.)

126/

4. نویسنده کتاب از نقش علمای جبل عامل در نهضت ترجمه میراث شیعی به زبان فارسی یاد می کند و از این زاویه ایشان را در انتقال دستاوردهای فقهی و اعتقادی شیعه به زبان فارسی سهیم می داند. از جمله شاگرد محقق کرکی علی بن حسین زواوی هشت اثر اعتقادی شیعه را به فارسی ترجمه می کند. از جمله (کشف الغمه) را به

ترجمه می سپرد و این در زمانی است که تمامی حرکت‌های فرهنگی در شهرهای ایران با نظارت و اشراف عام محقق کرکی صورت می گرفت. یا شیخ بهائی (رساله امامیه) را که منسوب به امام رضا است ترجمه می کند و یا به تألیف (جامع عباسی) به زبان فارسی مشغول می شود...

181/ 182.

5 - از مهم ترین آثار مهاجرت نفوذ فقها و بسط اندیشه (ولایت فقیه) بود. به گونه ای که حاکم صفوی خود را نائب فقیه می شمرد.

6 . علمای جبل دارای دو شاخه اصلی بودند: شاخه فقه‌ای محض و شاخه متمایل به گرایش تصوف و عرفان. در میان گروه اخیر کسانی مانند: حسین بن عبدالصمد جبائی (پدر شیخ بهائی و شاگرد شهید ثانی) شیخ بهائی سید محمد عینائی (سبط شهید ثانی) را نام می برد.

نویسنده کتاب معتقد است: گرایش عرفانی در میان علمای جبل عامل دارای سابقه است از جمله کسانی مانند ابن فهد حلّی که مدتی در مناطق جبل عامل زیست و...

نویسنده در این بخش تحلیل مهم از برخورد محقق کرکی دارد. به نظر وی محقق کرکی تلاش داشت تا در میدان جامعه غیر از تشیع کلامی و فقهی چیزی حضور پیدا نکند. هر چند در پی گیری این هدف واقع بینانه و ملاحظه کارانه

حرکت می کرد زیرا دستگاه سلطنت شیعی در عهد او با فرقه صوفیه بود؛ اما در مجموع این تلاشها به آن جا رسید که در عصر شاه عباس قزلباشان که گونه ای از اریستوکراسی صوفیانه را در عهد صفوی تشکیل داده بودند سرکوب و رهبران‌شان کشته شدند و جمعیت شان در هم ریخت.

در همین جا مناسب می نماید از تحلیل استاد شهید مرتضی مطهری در دستاورد هجرت علمای جبل عامل به ایران یاد کرد:

(فقه‌های جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران صوفیه داشته اند. چنانکه می دانیم صوفیه درویش بودند راهی که ابتدا آنها براساس سنت خاص درویشی خود طی می کردند اگر با روش فقهی عمیق فقه‌های جبل عامل تعدیل نمی شد و اگر به وسیله آن فقها حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی شد به چیزی منتهی می شد نظیر آنچه در علویهای ترکیه و شام هست. این جهت تأثیر زیادی داشت در این که اولاً روش عمومی دولت و ملت ایرانی از آن گونه انحرافات مصون بماند و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری طی کند. از این روی فقه‌های جبل

عامل از قبیل محقق کرکی و شیخ بهایی و دیگران با تأسیس حوزه فقهی اصفهان حق بزرگی به گردن مردم این مرز و بوم دارند).

آشنایی با علوم اسلامی اصول فقه فقه/87.

در پایان ضمن ارج گذاری به تلاش نویسنده کتاب بایستی یادآور شد که نوشته یاد شده گامهای آغازین تحقیق و تتبع در مقوله مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عصر صفوی است. برخی از پرسشهای مطرح در ابتدای مقال در تألیف مورد نظر پاسخی نیافته اند و برخی دیگر به اشاره و اجمال برگزار شده اند. همچنین در موارد متعدد نویسنده کتاب از بحث اصلی به دور افتاده و مباحثی استطرادتی و نسبتاً غیر مرتبط با اصل بحث را عنوان کرده است. از جمله در بخشهای: (حرکه الترجمة والتألیف) (نفوذ الفقهاء) (الحرکه الاخباریه المعارضة لنفوذ المجتهدين) و... نویسنده به مطالب کلی عصر صفوی پرداخته است و نه برخوردهای خاص.

فقه‌های جبل عامل.

در مجموع بایستی ارج این گونه تحقیقات را پاس داشت و از آشنایان تاریخ و فقاہت خواست که راه تکمیل را در پژوهش پی گیرند و زوایای ناپیدای زندگانی عالمان دین را مکشوف سازند و نقش ایشان را در روند تاریخ جوامع اسلامی و شیعی باز نمایند. عناصر مکنون در این تاریخ پرتحول بایستی آن را شناخت و از آن درس گرفت. هجرت علمای جبل عامل یکی از این نمونه هاست. جمع فراوان از عالمان دین که از این سوی به ایران آمدند و علقه خانمان را رها کردند و با اقامت در این مرز و بوم توانستند آثاری مبارک و میمون بیافرینند هنوز این آوازه در گوش و جان حوزویان زنده می نماید که راه گسترش معارف دین و استوار سازی کیان دیانت و مذهب به (هجرت) و (جهاد) تلاش علمی و دفاع) وابسته است. عالمان مهاجر جبل عامل رایت این جهاد و هجرت را در دست گرفتند و تشیع فقهی را در ایران اسلامی منتشر ساختند.

زندگانی عالمان مهاجر جبل عامل درسی برای طالبان علم است که در ره گسترش آموزه های دینی و تحکیم مبانی شرعی پیش آیند و از وابستگی به (موطن) و علقه های شخصی فراتر آیند و نیازها را بجویند و در راه آن پشتکار و شکیبایی را پیش گیرند. توصیه های مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارج سال 73 در این جهت درس آموز بودند:

(هجرت یعنی این که نباید به یک مکان چسبید. شاید امروز مصداق این هجرت برای طلاب علوم دینیه و فضایی محترم که در حوزه ها متمکن و مستقرند این باشد که به اکناف بلاد اسلامی هجرت کنند... باید از تراکم جلوگیری

شود. هجرت به جاهایی که به آنها احتیاج است به شهرها و حوزه های بزرگ و کوچک یکی از مصادیق هجرت است. هجرت برای تبلیغ به خارج از کشور و...

مجله (حوزه) شماره 63 - 27/64.